

دربی نهایت

از سلسله مباحث حضرت آیت الله مصباح یزدی (دام‌ظله)

دنیاهایی می‌افتد و کم‌کم آگاهانه گرفتار می‌شود و خیلی جدی درس و دین را وسیله دنیا قرار می‌دهد.

در روایتی (۳) نقل شده است که روزی امیرالمؤمنین (ع) وارد مسجد شدند و عده‌ای را دیدند که مشغول بحث، گفتگو و جدال هستند. این‌ها انسان‌های تازه‌کاری بودند و تازه مسلمان شده بودند. حضرت وارد مسجد شدند و از کنار آنها عبور کردند، این‌ها سلام کردند و خیلی اظهار علاقه کردند که حضرت کنار آنها بنشیند و در بحثشان وارد شود. قرائن نشان می‌دهد که بحث آن‌ها، بحث بسیار عمیق قضا و قدر بوده است و آن‌ها صلاحیت بحث کردن در آن را نداشته‌اند و در میان آن‌ها مسلمان‌های قوی مهاجر و انصار نیز نبوده‌اند تا بحث آن‌ها توجیهی پیدا کند.

به هر حال کسانی که در مسجد بودند و تازه مسلمان بودند، این‌ها اهل معصیت نبودند و دنبال گناه و شهوت‌رانی نرفته بودند، در مسجد نشسته بودند و بحث می‌کردند. بحث هم بحث علمی بود، اما صلاحیتشان را نداشتند و از راهش وارد نشده بودند؛ از استاد درس را فراتر گرفته بودند.

خودشان می‌خواستند پیچیده‌ترین مسائل را با فکر خودشان حل کنند و این موجب گمراهی‌شان می‌شد. حضرت فرمود [که] این را از شما نخواستند، چرا غافلید و به چیزی پرداخته‌اید که برای شما نتیجه‌ای ندارد؟ این بحث از عهده شما بر نمی‌آید و از شما چنین چیزی نخواستند، دنبال چیزی بروید که برایتان مفید باشد. سعی کنید خشیت الهی پیدا کنید، تا خشیت پیدا نشود برای فعلیتی که انسان باید در راه تکامل انجام دهد، زمینه پیدا نمی‌شود.

مناجات شعبانیه‌ای که به فرموده حضرت امام رضوان‌الله علیه، اولیای خدا منتظر بودند تا ماه شعبان بیاید و از این مناجات استفاده کنند، شوخی و تعارف نیست، اینها راه تکامل انسان است. ما متأسفانه در اثر این که نگاه جامع و فراگیر به اسلام و محتویات آن نداریم، وقتی توجهمان به یک چیز دیگری نیست، وقتی می‌گویند: امروز کشور ما باید در مقابل کشورهای بیگانه استقلال اقتصادی داشته باشد، پیشرفت داشته باشد، خیال می‌کنیم که اسلام فقط برای این است که ما به لحاظ اقتصادی پیشرفت کنیم، البته اسلام عزت مسلمین را خواسته است و نمی‌خواهد آنها در امور اقتصادی دستشان پیش دیگران دراز باشد. نجات دادن جامعه اسلامی از نیازمندی به کفار و تذلل در مقابل آنها از واجبات است؛ جهاد در راه خدا از بزرگ‌ترین واجبات است. چهارسال و نه ماه حکومت امیرالمؤمنین (ع) اغلب در جنگ گذشت، اصلاً فرصت نمی‌کرد به تربیت و موعظه مردم بپردازد، ولی «لایسغله شأن عن شأن» (۴) در صحنه جنگ جمل، وقتی شخص اعرابی آمد و از حضرت سؤال کرد که منظور از «واحد» که صفت خدا است، چیست؟ حضرت یک سلسله مطالب فلسفی تاب را آن هم در میدان جنگ برای او توضیح می‌دهد. اما اینجا برای کسانی که در مسجد نشسته‌اند و چه بسا همان ایامی بوده است که امروز و فردا حضرت باید برای جنگی دیگر حرکت کند یا برای استراحت از جنگی برگشته است، در همین ایام، حضرت فرمود: «ماه شعبان است. چرا غافل نشسته‌اید، چرا به چیزی می‌پردازید که برای شما اهمیت و ضرورتی ندارد؟ شما کجا و کسانی که در این ماه خشیت الهی آن‌ها را به سکوت واداشته است، کجا؟

دنیاهایی می‌افتد و کم‌کم آگاهانه گرفتار می‌شود و خیلی جدی درس و دین را وسیله دنیا قرار می‌دهد.

تمرین کند؛ در همه حال به خدای متعال توجه داشته باشد و خدا را فراموش نکند، البته این توجه برای امثال ما توجه ضعیفی است. فرض کنید وقتی که انسان غرق در مطالعه است و می‌خواهد مشکل یا صورت مسأله پیچیده‌ای را حل کند، اگر در همان حال بخواهد به خدا توجه کامل داشته باشد، معمولاً برای ما انسان‌ها میسر نیست. ما نمی‌توانیم خودمان را با انبیا، اولیا و حضرات معصومین مقایسه کنیم. حداکثر این است که انسان با تمرین بتواند در کنار فعالیت‌های زندگی‌اش، یاد ضعیفی هم از خدا داشته باشد. بخشی از دستورات اسلام برای این است که انسان زمینه‌ای برایش فراهم شود تا توجه او تقویت شود، یعنی ما همان‌طور که در اوج درس خواندنمان توجهمان بیشتر به تحصیل معطوف است و کار واجبی است - و باید هم انجام داد - ضروری است زمینه‌ای را برای توجه بیشتر، فراهم کنیم. خداوند در شبانه روز مقداری از وقت ما را به خودش اختصاص داده است. در نماز، انسان دیگر نباید توجهش به درس، بحث و سایر مسائل باشد. این یک برنامه روزانه است که لااقل به اندازه هفده رکعت نماز، سعی کنیم ذهنمان را از سایر چیزها خالی کنیم و توجه خود را به خدا متمرکز کنیم، البته همین مقدار هم تمرین زیادی می‌خواهد.

تدبیر دیگری که شرع مقدس اندیشیده، این است که انسان در طول سال، ایامی را بیشتر متوجه خدا باشد. به عنوان نمونه، ماه مبارک رمضان، ماه رجب و ماه شعبان از ماه‌هایی است که اهتمام بر عبادت و توجه، بیشتر است، البته معنایش این نیست که کسب و کار و درس و بحث تعطیل شود، اما اهتمام به مسأله عبادت باید بیشتر باشد. عبادت‌ها، دعاها و مناجات‌هایی که برای ماه شعبان وارد شده است، همین جهت را دنبال می‌کند.

گاهی باید به چیزی توجه کنیم و از بعضی چیزهای دیگر توجه را برداریم تا به گناه مبتلا نشویم؛ این یک تمرین مداوم می‌خواهد. بعضی از توجهات برای ما اختیاری است و انسان باید به بعضی چیزها توجه نکند تا برای غفلت و گناه، زمینه فراهم نشود.

نکته دیگر این است که وقتی انسان به کارهای خوب هم وارد می‌شود و وظایفش را انجام می‌دهد، گاهی به بعضی وظایف آن‌چنان جذب می‌شود که از وظایف دیگر غافل می‌شود، در حالی که همه وظایف را باید انجام دهد. در میان چیزهایی که باید به آن توجه پیدا کنیم، گاهی گزینش بعضی چیزها بی‌جا است. باید به چیزهایی مختلف توجه داشته باشیم. گاهی بیش از حد در یک چیز تمرکز پیدا می‌کنیم؛ به عنوان مثال، درس خواندن برای اکثر ما واجب عینی است، حکم جبهه‌رفتن را دارد. آن‌قدر حملات دشمن به فرهنگ اسلامی و معارف دین زیاد است که این درس‌خواندن ما پاسخ آن‌ها را نمی‌دهد و من‌به‌الکفایه نداریم. پس این درس خواندن‌های ما واجب عینی است، یعنی واجب بر اثر این که من‌به‌الکفایه نیست، متعین شده است. در عین حال، باید بدانیم همه تکلیف ما درس خواندن نیست، غیر از درس خواندن چیزهای دیگری هم داریم که اگر به آن‌ها نرسیم، این درس‌خواندن‌ها ممکن است به جای اینکه مفید باشد، مضر باشد. همین درس خواندن که واجب است، ممکن است زمینه شود برای اینکه شیطان ما را فریب دهد. تهذیب اخلاق و توجه به خدا لازم است و گرنه انسان ناآگاهانه در دام

یکی از قصورهایی که انسان در این عالم دارد و زمین را برای تقصیرهایی فراهم می‌کند، محدود بودن ظرفیت ذهنی، ادراکی و روحی انسان است. انسان در آن واحد نمی‌تواند دهها مطلب را یکجا درک کند و به همه آن‌ها توجه کند. خواه ناخواه وقتی توجهش به یک ادراکی معطوف شود، از سایر مطالب غافل می‌شود. ریشه بسیاری از غفلت‌ها که زمینه را برای بسیاری از انحرافات، اشتباهات و حتی گناهان فراهم می‌کند، همین محدودیت ظرفیت ذهن و ادراک انسان است. به عنوان مثال، وقتی نگاه انسان به منظرهای می‌افتد، به طور طبیعی یک ادراک بصری و حسی برای او پیدا می‌شود. اگر در عین این که می‌بیند، بتواند یک توجه قلبی و روحی به مسائل دیگر مخصوصاً توجه به خدای متعال داشته باشد، همان ادراک می‌تواند برای توجهات بیشتر، زمینه‌ای را فراهم کند و بسیاری از عبادات و کمالات روحی به دنبالش تحقق پیدا کنند. دیدنی‌ها گاهی موجب عبرت، گاهی موجب توجه به نعمت‌های خدا و گاهی مایه تنبه و تذکر انسان می‌شود. غالباً وقتی انسان به محسوسات توجهی پیدا می‌کند، ادراکات عقلی‌اش را هم فراموش می‌کند، حتی به این فکر نمی‌کند که این کار خوب است یا بد، منفعت دارد یا ضرر، مخصوصاً اگر آن ادراک جاذبه‌ای هم داشته باشد و مطابق یکی از خواسته‌های غریزی انسان باشد، انسان به طور کلی غافل می‌شود. این که این قصور ممکن است منشأ تقصیرهایی شود و زمینه را برای تقصیرهایی فراهم کند، به خاطر همین است که بسیاری از ادراکات حس گرچه فی حد نفسه حرمتی ندارد، اما وقتی در انسان متمرکز می‌شود، زمینه برای انحرافات و گناهان فراهم می‌شود. انسان در برابر این زمینه‌ها چه کار کند تا به خطر نیفتد؟ اجمالاً راه‌هایی را روان‌شناسان بررسی و تحقیق کرده‌اند که ذهن انسان تا چه اندازه ظرفیت ادراکات متعدد را دارد و چه قدر می‌تواند توسعه پیدا کند. جایی خواندم که بعضی از تجارب روان‌شناسی نشان می‌دهد انسان می‌تواند در آن واحد هفت ادراک داشته باشد و ناچار است که این‌گونه باشد، چون زندگی طوری است که همیشه انسان نمی‌تواند در یک چیز متمرکز شود، باید در کنارش به چیزهای دیگر هم توجه داشته باشد. این ضرورت زندگی است. انسان باید درصدد برآید و تمرین کند که همراه با ادراکات حسی، همراه با فعالیت‌های مادی، یک توجه قلبی به خدا داشته باشد. این کار شدنی است. این‌ا به‌را محاذله فرمایید: «رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله» (۱) «آن‌ها که فبیوت اذن الله ان ترفع» (۲) هستند، کسانی هستند که «لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله» نمی‌فرمایند کسانی که اهل این بیوت نور هستند، اصلاً تجارت نمی‌کنند، بلکه می‌فرمایند: تجارت و بیع آن‌ها را از خدا غافل نمی‌کند. معلوم می‌شود که انسان می‌تواند در همان حالی که خرید و فروش می‌کند، یاد خدا هم باشد. این راهی است که رهروان رفته‌اند. اگر ما هم بخواهیم می‌توانیم تمرین کنیم و سعی کنیم در همه حالات زندگی، وقتی که درس می‌خوانیم، وقتی که سخن می‌گوییم، وقتی که غذا می‌خوریم، وقتی که می‌خواهیم، وقتی که مطالعه می‌کنیم، وقتی که مباحثه می‌کنیم و در همه کارهای فردی و اجتماعی، توجهی لااقل ضعیف به خدای متعال داشته باشیم. انسان ناچار است، اگر می‌خواهد در دام شیطان نیفتد و از زمینه‌هایی که برای غفلت و گناهش فراهم است، دچار لغزش نشود، باید

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود می‌باشد.